



مؤید یک کاهش ۶۰ درصدی است. همچنین ۸۸ درصد از کل پناهجویان در مرحله اول بررسی تقاضاهایشان، از وزارت کشور جواب منفی دریافت کرده اند. شمار قبولی ها تنها ۴ درصد بوده است و ۱۲ درصد دیگر هم اجازه اقامت های محدود و مشروط دریافت نموده اند.

دولت بریتانیا

و تصویب قوانین جدید ضدپناهندگی!

(صفحه ۲)

وحشت سران رژیم از رشد گرایشات کمونیستی در میان کارگران!

گسترش ابعاد اعتراضات و مبارزات کارگری برعلیه رژیم از یک سو، و رشد تفکرات و گرایشات کمونیستی در صفوف کارگرانی که از سلطه سرمایه داران زالوصفت و رژیم سرکوبگر حامی آن بر حیات خویش متنفرند، سران حکومت را به وحشت انداخته است. انعکاس این واقعیت را می توان در پیام اخیر هاشمی رفسنجانی به دومین کنگره خانه کارگر استان همدان دید که در طی آن رفسنجانی مرتجع مدعی شد که کارگران "فرب شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی" را نمی خورند.

او در پیام خود به کنگره خانه کارگر همدان، این ارگان دست ساز حکومت، عنوان نمود: "کارگران ایران اسلامی در طول سال های مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مبارزات مردمی، ایام امنیت نظام، دوران ۸ سال دفاع مقدس و دوران سازندگی ثابت کرده اند که ضمن پایبندی به اصول اسلام و انقلاب اسلامی،

(صفحه ۲)

در این چارچوب است که ما شاهدیم که دولت "حزب کارگر" بریتانیا به رغم سردادن شعارهای فریبکارانه مبنی بر اعتقاد به "دمکراسی" و "حقوق بشر" به تصویب پی در پی قوانین پناهنده ستیز پرداخته است. به ویژه با نزدیک تر شدن موعد انتخابات عمومی، احزاب اصلی طبقه حاکم در این کشور، با حمایت بی دریغ روزنامه های جیره خوار و دست راستی، به طور روزمره مشغول سمپاشی برعلیه پناهجویان و خاطرنشان کردن به اصطلاح "مضرات" اقتصادی و اجتماعی حضور آنها در انگلیس شده اند. آنها در اتخاذ مواضع هرچه غیردمکراتیک تر در این زمینه، گوی سبقت را از یکدیگر ربوده و به هرگونه دروغپردازی و فریبکاری در افکار عمومی دست می زنند. در این تبلیغات، با گزافه گویی و فرصت طلبی تمام نسبت به "هجوم" فزاینده پناهجویان به بریتانیا و "مخارج" گویا بسیار زیاد آنها برای "مالیات دهندگان" انگلیسی، اعلام خطر می گردد. اما مبلغین متقلب، با کشیدن پرده ساتر بر روی حقایق، به روی خود نمی آورند که چگونه سرمایه داران و دولت انگلیس با استثمار وحشیانه پناهجویان به عنوان یک منبع ارزان نیروی کار، سودهای نجومی به جیب خود و ماشین دولتی می ریزند. از سوی دیگر، تبلیغات مسموم فوق در مورد "خطر" قریب الوقوع هجوم پناهندگان به بریتانیا، در شرایطی در سطح جامعه پخش می گردد که مطابق آمار دولتی تعداد تقاضاهای پناهندگی از دولت انگلیس در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال ۲۰۰۲،

با شدت گیری بحران اقتصادی گریبانگیر دولت های امپریالیستی و به موازات تهاجم وحشیانه ای که زیر نام "مبارزه با تروریسم" این دولت ها در آمریکا و اروپا به تمامی حقوق دمکراتیک و شهروندی مردم خویش سازمان داده اند، پناهجویان و قوانین پناهندگی نیز، به طور روزافزونی آماج حملات دولت های نامبرده قرار گرفته اند.

نمونه ای از سرکوب تشکل های صنفی توسط جمهوری اسلامی

دستگاه های امنیتی سرکوبگر جمهوری اسلامی که از متشکل شدن توده های زحمتکش ایران برای مبارزه جهت تحقق خواست های خود شدیداً در هراسند، اخیراً با اعمال خشونت و ارعاب، از تشکیل انجمنی در خرم آباد که "انجمن صنفی کارگران" نامیده شد، جلوگیری نمودند. در این خبر که توسط خبرگزاری کار رژیم انتشار یافته، آمده است که مأمورین اداره "اماکن" جمهوری اسلامی در هنگام برگزاری جلسه انتخابات انجمن صنفی مربیان آموزشگاه های رانندگی استان لرستان به این جلسه یورش برده و انتخابات را بر هم زدند.

(صفحه ۳)



دولت بریتانیا

و تصویب قوانین جدید ضدپناهندگی!

(بقیه از صفحه ۱)

از سوی دیگر، کاهش چشمگیر در تعداد جواب های مثبت، با افزایش تلاش برای اخراج پناهجویان رد شده قرین بوده است. به طوری که در سال گذشته، حداقل ۱۲ هزار و ۴۳۰ پناهجوی رد شده، به زور از خاک این کشور اخراج گشته اند. دولت در این زمینه خود را متعهد کرده که تعداد اخراج ها را به حدی برساند که تا پایان سال ۲۰۰۵ تعداد افراد اخراج شده در یکسال از تعداد پناهجویان وارد شده به کشور بیشتر باشد.

با توجه به این واقعیات، کاملاً روشن است که تبلیغات گمراه کننده طبقه حاکم در مورد پناهجویان تماماً با هدف فضا سازی در افکار عمومی - به ویژه در میان طبقات زحمتکش که بیش از همه قربانیان فشارها و سیاست های اقتصادی دولت مدافع سرمایه داران می باشند - صورت می پذیرد. در این تبلیغات مسموم، تلاش می گردد تا تضاد با "خارجی ها" عمده گردد تا به این ترتیب افکار عمومی از پرداختن و توجه به عامل اصلی معضلات اقتصادی - اجتماعی جامعه، باز بماند.

در چنین فضایی است که در ماه های اخیر، دولت تونی بلر با کنار زدن تمامی ماسک های "انسان دوستانه" و "دمکراتیک" به سرعت به تصویب و اجرا کردن قوانین ضدانسانی و پناهنده ستیز بر علیه انسان هایی پرداخته است که به دلایل اقتصادی و سیاسی از چنگال نظام و رژیم های سرکوبگر که اکثراً مورد حمایت همین دولت های غربی قرار دارند، گریخته و برای تأمین یک زندگی حداقل، به اروپا و کشورهای نظیر انگلیس می آیند.

مطابق یکی از برجسته ترین این قوانین، که در ماه های اخیر (سپتامبر - اکتبر ۲۰۰۴) به عنوان یک ضمیمه به قانون "بخش ۲ امور مهاجرت" اضافه شده، در صورتی که یک شهروند غیراروپایی، بدون در دست داشتن پاسپورت و یا یک جواز معتبر سفر که مشخص کننده هویت

واقعی او باشد و یا با مدرک جعلی، خود را به مقامات مهاجرت انگلیس برساند، این اقدام جرم محسوب شده و متهم در دادگاه به زندانی معادل ۴ ماه تا ۲ سال محکوم می گردد. در این دادگاه ها معمولاً توجهی به دلیل در اختیار نداشتن پاسپورت توسط پناهجو - که قاعدتاً به دلیل فرار از پیگرد و آزار مقامات کشور خود گریخته اند - نمی شود. این پرونده به عنوان یک سوء سابقه جنایی، برای همیشه در سابقه فرد مزبور باقی می ماند و معنای آن در عمل، محرومیت فرد مزبور از یک سری حقوق شهروندی عادی ست. از سوی دیگر، تا زمانی که مدت محکومیت فرد در زندان به سر نرسد، تقاضای پناهندگی او نیز توسط مقامات مهاجرت پیگیری نخواهد شد. تا کنون مطابق آمار دولتی، بیش از ۱۰۰ تن به خاطر "ارتکاب" به این "جرم" در دادگاه های انگلیس محکوم شده اند. این قانون در لحظه حاضر، شامل کسانی که در داخل بریتانیا خود را به مقامات مهاجرت معرفی کرده اند، نمی گردد. همچنین در بعضی از موارد دیده شده است که افرادی که بدون پاسپورت، ولی با در اختیار داشتن کارت شناسائی و یا شناسنامه، خود را در فرودگاه به مقامات مهاجرت معرفی کرده اند، از تعقیب قضائی در امان مانده اند.

تصویب قوانین ضدپناهندگی جدید در انگلیس اعتراض سازمان های مترقی و دمکراتیک و مدافع پناهندگان را برانگیخته است و ضرورت مقاومت در برابر این قوانین - که جلوه ای از یورش ضد دمکراتیک دولت به تمامی حقوق شهروندی ست - را در مقابل همگان قرار داده است.

وحشت سران رژیم

از رشد گرایشات کمونیستی

در میان کارگران!

(بقیه از صفحه ۱)

شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی را نمی خورند. و با وجود کاستی ها و مشکلات فراوان در راه اعتلای ایران اسلامی، استقرار اقتصادی و افزایش تولید کشور تلاش کرده و خواهند کرد!

سخنان فریبکارانه رفسنجانی در اغوای کارگران، در شرایطی عنوان می گردد که کارگران در سال های اخیر در صف مقدم مبارزات انقلابی مردم ما بر علیه رژیم و نظام استثمارگرانه حاکم قرار داشته اند و روزی نیست که خبری از اعتصابات، اعتراضات، شورش های کارگری و اقدامات و شعارهای قهرآمیز کارگران در سراسر کشور به گوش نرسد. سیر صعودی جنبش خودبخودی و دلاورانه کارگران، ارتقاء سطح مبارزات و آگاهی کارگران نسبت به علت اصلی مصائب زندگی شان و دست یازیدن آنان به اشکال هرچه رادیکالتر مبارزاتی، آن واقعیتی ست که به عنوان یک زنگ خطر برای سردمداران جمهوری اسلامی به صدا درآمده و رفسنجانی را وامی دارد تا راجع به شیوع "شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی" - که ترجمان ساده حس عدالت طلبی و آزادی خواهی ذاتی کارگران تحت ستم ایران است - هشدار دهد.

لازم به یادآوری ست که در ماه های اخیر و به ویژه پس از تظاهرات دانشجویان در ۱۶ آذر امسال، در مطبوعات و رسانه های حکومتی به شدت نسبت به رشد "شبکه های کمونیستی"، "پخش نشریات کمونیستی" و برقراری "پارتی چپ و دمکراسی" و... در دانشگاه ها، هشدار داده شده است. در همین رابطه، به طور مثال در سایت

حکومتی "شریف نیوز"

عنوان شده است که برخی از نشریات پخش شده در دانشگاه ها "مانند نشریات گروه های کمونیستی در

دهه ۵۰ "منتشر و در آنها "مطالبی در باره "خسرو

گل سرخی و امیر پرویز پویان"، "از سران چریکهای فدائی"، درج می گردد.



→ لاف و گزاف های فریبکارانه رفسنجانی در مورد موقعیت کارگران ایران نیز در حالی عنوان می گردد که زیر سیطره نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که رژیم جمهوری اسلامی هدایت ساکن آن را ۲۶ سال پیش از سلف خود، رژیم دیکتاتور شاه تحویل گرفت، ابعاد فقر و فلاکت کارگران به گونه ای بی سابقه رشد کرده است.

به عنوان یک "بمب ساعتی" برای نظام تشبیه نمود.



وجود کمترین تشکل های صنفی و هرچند بی خطر توده ای را هم تحمل نمی کند، بلکه هر جا هم که این گونه تشکلات حتی موفق به کسب "اجازه قانونی" از مقامات حکومتی گردند، از برجیدن و جاروکردن آن ها با توسل به خشونت و قهر عریان، کمترین تردیدی به خود راه نمی دهد.



نمونه ای از سرکوب تشکل های صنفی توسط جمهوری اسلامی

(بقیه از صفحه ۱)

سیاست های رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع امپریالیست ها و سرمایه داران زالوصفت از نخستین روز روی کار آمدن این حکومت، چه در سال های اول پس از قیام و در جریان سرکوب و قلع و قمع بی وقفه تشکل های کارگری، چه در جریان ۸ سال جنگ ضدخلقی با عراق، چه در جریان بازسازی نظام و چه در دوران خاتمی فریبکار باعث آن شد که صدها هزار تن از کارگران بیکار و گرسنه و بی خانمان به ارتش ذخیره کار اضافه گردند. در دوران حیات تنگین رژیم جمهوری اسلامی، مبارزات کارگران با شدت تمام سرکوب و فعالین کارگری دستگیر و شکنجه شده به زندان افتاده و یا ترور و اعدام شدند. در دوران جمهوری اسلامی قانون کاری بسیار ارتجاعی تر از قبل برعلیه کارگران به تصویب رسید، و در یک کلام، طبقه کارگر تحت فشارهای اقتصادی و سیاسی هرچه فزونی تر قرار گرفت. اما در همین حال، مبارزات دلاورانه کارگران در اشکال و سطوح متفاوت در تمام این سال ها ادامه یافت و کار به جایی رسید که خود همین رفسنجانی جنایتکار، در هراس از رشد مبارزات کارگری در اواخر دوران زمامداری خویش، آن را

آنها با "غیر قانونی" خواندن مجمع مزبور، تمامی شرکت کنندگان را تهدید به "اخراج" از کار کرده و سپس ضمن دستگیری مؤسسين این تشکل، جلسه را به هم زدند. لازم به یادآوری است که به گفته رئیس هیات مدیره انجمن مربیان آموزشگاه های رانندگی، این جلسه به دعوت "مدیرکل کار و امور اجتماعی" استان فراخوانده شده بود. اما دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی، به رغم این فراخوان قانونی، با هجوم به جلسه آن را به هم زده و با زهرچشم گرفتن از شرکت کنندگان، مانع تشکیل این انجمن صنفی شدند.

هجوم سرکوبگرانه مأورین جمهوری اسلامی به جلسه صنفی مربیان آموزش رانندگی در خرم آباد نمونه کوچکی از سیاست سرکوبگرانه حکومت را با تشکل های صنفی به نمایش می گذارد. و یکبار دیگر نشان می دهد که در نظام سرمایه داری وابسته ایران، طبقه حاکم نه تنها

تداوم تعطیلی کارخانجات و رشد بیکاری در میان کارگران

(بقیه از صفحه ۳)

به دنبال تعطیلی پی در پی کارخانجات و خصوصی سازی آن ها، ما هر روزه شاهد افزایش سطح بیکاری در جامعه هستیم. کارفرمایان، که به بهانه ی بدهکاری به بانک ها و سازمان های مختلف و اوضاع بحرانی بازار ماه ها از پرداخت حقوق به کارگران خودداری می کنند، پس از مدتی دست به توقف تولید و در نهایت منحل کردن کارخانه زده و کارگران را بدون قبول کوچکترین مسئولیتی به حال خود رها کرده و حتی حاضر به پاسخگوئی به وضعیت به وجود آمده نیز نیستند. در همین رابطه، کارخانه ی "کفش گام" و "نازنج" در حالی به تعطیلی کشیده می شوند که گفته می شود از تولید و فروش خوبی برخوردار بوده ولی به دلیل خصوصی سازی، کارخانه داران درب این واحدها را بستند.

بهار بر تمامی کارگران و توده های تحت ستم ایران خجسته باد!

با ایمان به پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران و خلق های محروم ایران

با ایمان به نابودی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی

و با ایمان به برقراری یک نظام دمکراتیک و انقلابی

نوروزتان پیروز!



زده اند. این خودسوزی ها اساساً بر زمینه فقدان کمترین حقوق انسانی برای زنان در جامع تحت سلطه افغانستان صورت گرفته و قربانیان این فاجعه برای فرار از عواقب وحشتناک فقر اقتصادی نظیر بیکاری و گرسنگی، فشارهای کشنده اجتماعی، ازدواج اجباری و ... دست به خودکشی زده اند. آمار فوق، تنها منعکس کننده مواردی است که گزارش و ثبت شده اند و آمار واقعی خودکشی زنان در افغانستان بسیار بالاتر از آمار اعلام شد است.



زن افغانی که به خاطر تجاوز جنسی به او، اقدام به خودسوزی نمود.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 208 – 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

با آگاهی به ماهیت ضدکارگری رژیم و حمایت او از سرمایه داران زالوصفت، از شیوه های مختلفی برای رسیدن به خواست های خود استفاده می کنند. در این زمینه، به عنوان مثال، می توان به حرکت کارگری در منطقه "عسلویه" اشاره کرد که پس از اعتراضات فراوان و بی توجهی مسئولان برای گرفتن حقوق عقب افتاده خود، با سلاح گرم به سراغ کارفرما رفته و از او خواستار پرداخت حقوق یکسال گذشته خود می شود. این گزارش، از منابع خبری خود رژیم نقل شده است.

"عیسی کمالی"، دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر، می گوید: هرچند که در گذشته اعتراضات کارگران این منطقه در قالب اعتصاب بروز می کرد، اما حرکت اخیر به مثابه زنگ خطر جدی برای مسئولان است.



خودسوزی ده ها زن افغانی در افغانستان

تحت حکومت دولت دست نشانده کرزای در افغانستان، و به رغم تبلیغات کرکننده بلندگوهای خبری در مورد "آزادی زنان افغانی از چنگال طالبان"، بی حقوقی و استثمار و سرکوب زنان محروم افغانستان همچنان در ابعاد گسترده ای جریان دارد و این وضع نابسامان هر روز قربانیان جدیدی می گیرد.

مطابق آمار منتشره، در یک سال گذشته، تنها در مناطق غربی افغانستان ۷۰ زن دست به خودسوزی



تداوم تعطیلی کارخانجات و رشد بیکاری در میان کارگران

کارگران زحمتکش ایران، این طبقه ی عظیم به خشم آمده از ستم سرمایه داران و دولت حامی آنان، از حداقل حقوق و معیشت نیز بی بهره اند. آنها یا دائماً در خطر اخراج قراردارند و یا حتی در صورت اشتغال، با کمترین حقوق با مشکلات زندگی پُرمشقت خود در ستیزند. حقوق آنان اغلب اوقات با تعویق پرداخت شده و یا در صورت اخراج، به رغم سال ها سابقه کار، از بهره بری از مزایای بیکاری و بیمه ی اجتماعی محروم هستند- آن هم به این دلیل ظاهراً موجه که کارفرمایان به سازمان تأمین اجتماعی و سایر ادارات و سازمان ها بدهکارند. با رشد روزافزون تعطیلی کارخانه ها و مراکز صنعتی و تولیدی، اخراج کارگران از سوی کارفرمایان به بهانه های مختلف نیز رو به گسترش است.

(ادامه در صفحه ۳)

بی حقوقی کارگران و گرایش به شیوه های هرچه رادیکال تر مبارزه

گسترش مبارزات کارگران، نتیجه غیرقابل انکار شرایط وخامت بار زندگی و بی حقوقی آنان است. کارگران ناراضی و به تنگ آمده از شرایط بسیار دشوار استثمار و سرکوب در رژیم جمهوری اسلامی به ناگزیر هر روز بیشتر از گذشته به سوی مبارزات رادیکال تر روآورده و

